

رابطه انسان و شیطان از منظر قرآن*

محمد شریفی**

بابک هادیان حیدری***

چکیده

انسان به عنوان حیوانی ناطق پس از رانده شدن از بهشت و هبوط به زمین، همیشه تحت وسوسه‌های شیطان بوده است، موجودی که انسان گاه خود در برابر او بی‌اراده پنداشته و همین امر او را تحت وسوسه‌های شیطان قرار داده و به منجلاّب نابودی کشانده است؛ از برای همین، پژوهش پیش روی با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای و با تأکید بر قرآن و روایات، این پرسش بنیادی را که «شیطان و انسان چه نگاهی نسبت به یکدیگر دارند؟»، پاسخ داده است؛ زیرا پاسخ بر این پرسش بنیادین نه تنها شایان توجه است؛ والاتر که امری واجب و ضروری در برابر این موجود پلید که گاه انسان توانسته با شناخت این دیدگاه‌ها بر این وسوسه‌ها و بر دشمن خویش فائق آید و گاه با بی‌توجهی به این نگاه‌ها نتوانسته بر آن پیروز گردد، برآیندهای پژوهش نمایانگر آن است که در نگاه انسان، شیطان عاملی اغواگر، فتنه‌انگیز، عامل رنجش و شکنجه‌ی پیامبران، عامل ناامیدی و شهوت‌رانی است و دوم آنکه، شیطان، موجودی با رتبه‌ای پایین‌تر از خود که بی‌جهت برتری داده‌شده و دوستی اجابت‌کننده پنداشته است.

کلید واژه‌ها: انسان، شیطان، دشمنی، گمراهی.

*- تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۳

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران.

m.sharifi@umz.ac.ir

applehdsahab@gmail.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران

۱. طرح مسئله

شیطان همچون موجودی پلید همیشه در گوش به زنگ است که انسان آنی غفلت کند تا او بتواند از هر طرف ممکن انسان را گمراه کند؛ ولی نقش شیطان در این بداندیشی و فریب دادن، تنها نقش فراخوانی است بدین معنا که «شیطان فقط انسان را به بدی و زشتی فرمان می‌دهد...» (بقره/۱۶۹)، پس انسان‌ها است که باید تعقل کنند تا گمراه این دشمن به کمین نشسته قرار نگیرند (یس/۶۰-۶۲).

شیطان هنگامی که از درگاه خدا رانده شد گفت به سبب اینکه مرا به بیراهه و گمراهی انداختی، بی‌گمان بر سر راه راست تو در بزنگاه آنان خواهم نشست و سپس از پیش رو و پشت سر و از طرف راست و از جانب چپشان بر آنان می‌تازم و بیشترشان را سپاس‌گزار نخواهی یافت (اعراف/۱۷-۱۶).

هدف این پژوهش آن است که ابتدا دیدگاه انسان نسبت به شیطان را بررسی کند؛ چرا که در صورت ارزیابی درست، خود عاملی در پیروزی انسان است؛ و از طرف دیگر کوشیده، دیدگاه شیطان نسبت به انسان را بررسی کند؛ زیرا دانستن نظرات دشمن، خود عامل مهمی در دفاع و مقابله با دشمن است. به همین خاطر و به جهت ضرورت این موضوع، نگارندگان مقاله در این مجال کوشیده‌اند به این سؤال که «دیدگاه انسان نسبت به شیطان و دیدگاه شیطان نسبت به انسان چیست؟» پاسخ دهند.

درباره‌ی پیشینه‌ی این موضوع مقالاتی نگاشته شده است؛ از جمله: «نقش شیطان در سرنوشت انسان (مقدمه‌ای بر انسان‌شناسی)، ۱۳۶۱، شماره ۴۵»؛ «شیطان‌شناسی در قرآن، اثر علی محمد قاسمی؛ ۱۳۸۱، شماره ۶۲»؛ «وسوسه‌ی شیطان و راهکارهای مقابله با آن در قرآن، اثر شکر عبدالعلی؛ ۱۳۹۳»؛ «مانعیت شیطان در

پیشرفت انسان از منظر صحیفه‌ی سجادیه با تطبیق قرآنی، اثر علی انجم شعاع؛ ۱۳۹۵، شماره‌ی ۸؛ «راه‌های نفوذ شیطان از منظر قرآن و نهج‌البلاغه، اثر سوسن آل رسول و نرجس افتخاری؛ ۱۳۹۰، شماره ۳۹؛ «ضرورت شناخت شیطان، تنها دشمن حقیقی انسان، اثر فتح‌الله نجار زادگان؛ ۱۳۸۵، شماره ۵؛ «تأثیر شیطان بر انسان در تطبیق گزاره‌های صحیفه سجادیه و قرآن، اثر انجم شعاع؛ ۱۳۹۳، شماره ۹؛ «بررسی فلسفه‌ی وجودی شیطان، اثر حسین زارع و مصطفی سلیمانیان؛ ۱۳۹۴، شماره ۱۱؛ «بررسی تطبیقی تصویر شیطان در ادیان الهی، اثر محمدحسین یعقوبیان؛ ۱۳۹۴، شماره ۲۲؛ اما این آثار بخشی از این موضوع را بررسی کرده‌اند؛ لذا تفاوت این قلم، فراگیری نسبی و بررسی تطبیقی دیدگاه انسان و شیطان را نسبت به یکدیگر است.

۲. شیطان از نگاه انسان

انسان تصویری از شیطان در ذهن خویش ساخته کرده که دانستن همراه با عمل او را در رهایی از این دام‌ها پشتیبانی می‌کند. به همین خاطر در ادامه کوشیده می‌شود که دیدگاه انسان در برابر شیطان به گفتمان گزارده شود.

۲-۱. شیطان؛ عاملی اغواگر

انسان، شیطان را موجودی اغواگر دانسته که با هر روشی را درصدد گمراه کردن اوست؛ از همین رو، خداوند متعال خطاب به انسان‌ها درباره‌ی اغواگری شیطان می‌فرماید: «

ای ؛

فرزندان آدم، زنهار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد؛ چنان که پدر و مادر شما را از

بهشت بیرون راند، و لباسشان را از ایشان برکند، تا عورت‌هایشان را بر آنان نمایان کند. در حقیقت، او و قبیله‌اش، شما را از آنجا که آنها را نمی‌بینید، می‌بینند. ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند» (اعراف/۲۷).

خداوند متعال در این آیه نیز می‌فرماید: «شیطان شما را از راه دین گمراه نکند و از حق دور نسازد و بوسیله دعوت به معصیت، شما را گرفتار نکند. در اینجا در حقیقت شیطان را از گمراه کردن انسان‌ها نهی کرده می‌گوید: ای اولاد آدم، باید شیطان شما را گمراه نکند؛ اما فرزندان آدم را نهی نکرده است. بدیهی است که چنین بیانی برای ترسانیدن مردم، مفیدتر و رساتر است، زیرا در عین حال اعلام خطر می‌کند که شیطان دشمن آنها و در کمین آنهاست و باید از او بترسند» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/۶۳۲). آن کاری که ابلیس در بهشت با آدم و حوا کرده (کندن لباس برای نمایاندن عورت‌هایشان) تمثیلی است که کندن لباس تقوا را از تن همه آدمیان به سبب فریفتن ایشان نشان می‌دهد و هر انسانی تا فریب شیطان را نخورده در بهشت سعادت است و همین که فریفته او شد خداوند او را از آن بیرون می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸/۷۰).

اما گروهی از انسان‌ها با آنکه علم به این موضوع دارند که شیطان دشمن آن‌ها است و باید از وسوسه این موجود به خدا پناه ببرند؛ اما [این مغرور شدگان به رفاه و خوشی و ناسپاسان در برابر نعمت] گفتند: پروردگارا! میان سفرهای ما، دوری و فاصله‌انداز. [این را درخواست کردند تا تهیدستان و پابرهنگان نتوانند در کنار آنان سفر کنند] و [این گونه آنان] بر خودشان ستم کردند، پس ما آنان را داستان‌هایی [برای عبرت آیندگان] قرار دادیم و جمعیشان را به شدت متلاشی و تار و مار کردیم، همانا در این [سرگذشت‌ها] برای هر صبرکننده سپاس‌گزاری عبرت‌هاست و همانا

ابلیس، پندارش را [که گفته بود: نسل آدم را گمراه می‌کنم] درباره آنان تحقق یافت که همه جز گروهی از مؤمنان از او پیروی کردند (سبأ/۲۰-۱۹).

این آیات در حقیقت داستان «قوم سبأ» است که آنان چگونه بر اثر تسلیم در برابر هوای نفس و وسوسه‌های شیطان گرفتار آن‌همه بدبختی و ناکامی شدند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۷۲/۱۸)؛ زیرا شیطان همانند پرنده‌ای که برای ساختن آشیانه جای امن می‌خواهد، اگر آدمی را در برابر وسوسه‌اش حساس نیافت، مصالح ساختمانی آشیانه خود را که همان مکر و حيله و مانند آن است به آنجا منتقل می‌کند و پس از آشیانه سازی و تخم‌گذاری به پرورش جوجه‌های خود می‌پردازد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۹۴/۲). از این رو، انسان باید از گذشتگان اندرز گیرد؛ چرا که خداوند، گذشتگان را برای آنکه با اغوای شیطان گناه کردند، کیفر داده و اگر انسان هم همان راه گذشتگان را پیش گیرد و مرتکب گناه شود، به یقین کیفر خواهد شد.

۲-۲. شیطان؛ عاملی غفلت ساز

خداوند، شیطان را گماشته‌ای غفلت‌ساز معرفی می‌کند که با وسوسه‌های خود کوشیده انسان را به غفلت بیندازد. می‌توان گفت که: «هدف همه تلاش شیطان این است که آبروی انسان را برده و او را چون تفاله‌ای بی‌ارزش به دور افکند؛ زیرا آنگاه که بی‌آبرو شد کاری از او ساخته نیست. شیطان برای این کار از راهی وارد می‌شود که شخص او را نمی‌بیند: «إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ» (اعراف/۲۷) این راه، همان غفلت است؛ زیرا انسان متذکر و آگاه که غفلت را از خود زدوده، دشمن شناس است، به گونه‌ای که با خطوط خیالی شیطانی در قلب خویش، فوراً متذکر شده و آن را جبران می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف/۲۰۱)؛ (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۳۳/۸).

حال آنکه وقتی شیطان انسانی را بدون حساسیت می‌یابد او را اغوا می‌کند و این انسان بدون حساسیت نیز در برابر هوای نفس و وسوسه‌های شیطان تسلیم می‌شود و این تسلیم او را به ورطه‌ی بدبختی می‌کشاند. این گروه، شیطان را به دید یک دشمن می‌انگارند که به دلیل عدم ایمان از او پیروی می‌کنند. از برای همین موضوع، حضرت علی (ع) می‌فرماید: « هر آن کس حساب خویش را رسید، سود برد و هر آنکه غافل ماند، زیان دید» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۸/۱۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۹۷/۱۶، ح ۲۱۰۷۹)، این روایت اشاره بدین موضوع دارد، کسی که از خود غافل شود، شیطان از او غافل نیست. پس انسان باید حسابگر خویش باشد و از سرمایه خود به خوبی بهره گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۱۳/۲).

یکی دیگر از راه‌های شیطان در غافل‌سازی انسان‌ها، کشاندن آنان به آرزوهای دور و دراز است؛ به خاطر آنکه اولاً، « آرزوها، چشمان بصیرت را کور می‌کنند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۳، ح ۱۴۱۷) و ثانیاً، « مایه‌ی چیرگی شیطان بر قلب انسان غافل می‌شود» (همان: ۹۸، ح ۱۸۵۳).

از همین روی، امام سجاد (ع) می‌فرماید: «

؛ خدایا! آنچه را [شیطان] از باطل برای ما آراسته، به ما بشناسان و هنگامی که شناساندی، ما را از آن حفظ کن و به نیرنگ در برابر نیرنگش، بینا گردان و آنچه برای آمادگی در برابر وی لازم است، به ما الهام کن و ما را از خواب غفلت بر اثر میل به او، بیدار فرما و با توفیقت به بهترین وجه، از ما بر او یاری برسان» (کفعمی، ۱۴۰۵: ۲۳۰؛ کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ۱۷۱/۳).

۲-۳. شیطان؛ عاملی فتنه‌انگیز

انسان، شیطان را عاملی فتنه‌انگیز تصویر کرده است که برای رسیدن به اهداف خویش از هیچ کاری فروگذاری نمی‌کند. او با ایجاد تفرقه و فتنه‌انگیزی میان انسان‌ها برادران را به جان هم می‌اندازد که حتی آنان آهنگ کشتن یکدیگر را می‌کنند:»

و پدر و مادرش را به تخت برنشانید،

و [همه آنان] پیش او به سجده درافتادند، و [یوسف] گفت: ای پدر، این است تعبیر خواب پیشین من، به یقین، پروردگارم آن را راست گردانید و به من احسان کرد آن‌گاه که مرا از زندان خارج ساخت و شما را از بیابان [کنعان به مصر] باز آورد- پس از آنکه شیطان میان من و برادرانم را به هم زد- بی‌گمان، پروردگار من نسبت به آنچه بخواهد صاحب لطف است، زیرا که او دانای حکیم است» (یوسف / ۱۰۰).

در این آیه کلمه «نزغ» به معنای وارد شدن در کاری به منظور بر هم زدن و فاسد کردن آن کار است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۴۸/۱۱)، بعد از آنکه حضرت یوسف (ع) پدرش را ملاقات کرد تنها از سختی زندان برای پدرشان سخن گفت و سخنی از چاه کنعان نگفت و تنها گفت: خداوند چقدر به من لطف کرد که شما را از بیابان کنعان به اینجا آورد بعد از آنکه شیطان در میان من و برادرانم فساد انگیزی نمود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۸۰/۱۰؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۱۱/۲؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۱۸۱/۵؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۳۵/۹؛ شحاته، ۱۴۲۱: ۲۳۹۵/۷) و کار برادرانش را به شیطان نسبت داد (سلطان‌علی شاه، ۱۴۰۸: ۳۷۳/۲).

همین فتنه‌انگیزی شیطان سبب آن شد که خداوند خطاب به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بفرماید: «

بگو: پروردگارا، از وسوسه‌های شیطانها به تو پناه می‌برم؛ و پروردگارا، از اینکه [آنها] به پیش من حاضر شوند به تو پناه می‌برم» (مؤمنون/۹۸-۹۷).

در این آیه «همز» به معنای دفع و تحریک با شدت است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۰۲/۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۰۷/۱۴)؛ و از همین قبیل است: مهماز الرأض، شیاطین مردم را به گناه تحریک می‌کنند چنان‌که سوارکاران چهار پایان را بر راه رفتن تحریک می‌کنند و از همین قبیل است که خداوند متعال چنین متذکر می‌شود: «

آیا ندانستی که ما شیطانها را بر کافران گماشته‌ایم، تا آنان را [به گناهان] تحریک کنند؟» (مریم/۸۳)؛ (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۰۲/۳)، پس انسان هیچ چاره‌ای جز استعاذه به خداوند ندارد. این تعبیر که [خداوند به رسولش دستور می‌دهد که از اغوای شیطان به پروردگار پناه ببرد] نشان می‌دهد که شرک و تکذیب مشرکین هم از همزات شیطانها و احاطه حضور آنها است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۵/۱۵).

بر پایه آنچه گذشت، می‌توان گفت که انسان، شیطان را عاملی فتنه‌انگیز می‌داند که حتی فرزندان نبی خدا هم به همزات او گمراه شدند تا جایی که آهنگ کشتن برادر خویش یوسف (ع) کرده‌اند؛ از همین روی، حضرت یوسف (ع) زمانی که پدرش را ملاقات کرد، تنها از سختی زندان برای پدرش سخن گفت و سخنی از چاه کنعان نگفت و تنها به فتنه‌انگیزی شیطان میان خود و برادرانش بیان کرد که این امر، اشاره بدین موضوع دارد که عامل راستین در تحریک برادران حضرت یوسف (ع) به انجام این عمل، شیطان بوده است.

۲-۴. شیطان؛ عامل رنجش و شکنجه انسان

انسان، شیطان را عامل رنجش و شکنجه پیامبران برمی‌شمارد. مدعای سخن آن است که در داستان حضرت ایوب (ع) آمده که شیطان برای رنجش و شکنجه‌ی آن حضرت (ع)، ایشان را چنین سرزنش می‌کند: «

؛ و بنده ما ایوب را به یاد آور، آن‌گاه که پروردگارش را ندا داد

که شیطان مرا به رنج و عذاب مبتلا کرد» (ص/۴۱).

شیطان حضرت ایوب (ع) را وسوسه می‌کرد و بلاها را در نظرش بزرگ جلوه می‌داد و او را تحریک و وادار می‌کرد که آه و ناله و اظهار بی‌صبری کند؛ این بلاها را به او نسبت داد و از خدا خواست تا با رفع بلاها، او را از شر وسوسه‌های شیطان حفظ کند (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۳۸/۳).

و خداوند در جواب آن حضرت (ع) فرمود: «

؛ [به او گفتیم]: با پای خود [به

زمین] بکوب، اینک این چشمه‌ساری است سرد و آشامیدنی؛ و [مجدداً] کسانش را و نظایر آنها را همراه آنها به او بخشیدیم، تا رحمتی از جانب ما و عبرتی برای خردمندان باشد» (ص/۴۳-۴۲).

آری، اگر خداوند متعال انسانی را مطیع خود [به مانند حضرت ایوب (ع)] ببیند، خداوند خود القائات شیطان را از بین می‌برد. سپس آیات خود را ثابت و محکم می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۶۵/۳).

شیطان، دشمن انسان‌ها و انبیا الهی است و آنان را اغوا می‌کند؛ از این رو، باید از شر او، به خداوند پناه برد: «فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ

وَ لَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَىٰ وَ إِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَ إِنِّي أُعِيدُهَا بِكِ وَ ذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ پس چون فرزندش را بزاد، گفت: پروردگارا، من دختر زاده‌ام - و خدا به آنچه او زایید داناتر بود - و پسر چون دختر نیست؛ و من نامش را مریم نهادم، و او و فرزندان را از شیطان رانده شده، به تو پناه می‌دهم» (آل عمران/۳۶).

در اهل سنت برخی همچون طبری، ابی حیان اندلسی، این کثیر در تفسیر آیه‌ی ۳۶ سوره‌ی آل عمران نقل کرده‌اند: «خداوند به سبب دعای مادر مریم، مریم (علیها السلام) و حضرت عیسی (ع) را از شر شیطان حفظ کرد. ابوهریره از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و [آله] و سلم) روایت می‌کند که: «هیچ مولودی نیست جز اینکه شیطان هنگام ولادت، او را مس می‌کند و کودک از آن است که صدا به گریه بلند می‌نماید مگر مریم و پسرش؛ و گفته‌اند مریم را از شر اغواء شیطان به خدا سپرد» (طبری، ۱۴۱۲: ۱۶۰/۳؛ ابی حیان اندلسی، ۱۴۲۲: ۴۵۸/۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۹/۲). در میان شیعه برخی تنها روایت ابوهریره از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را نقل می‌کنند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۳۸/۲) و برخی دیگر بعد از نقل روایت ابوهریره می‌نویسند: «گفته شده شیطان در اغوای تمام فرزندان انسان‌ها طمع کرد جزء مریم و پسرش که خداوند آنان از پناه داد» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۳۱/۱).

آیت الله جوادی آملی پیرامون روایت مذکور، می‌نویسد: «تماس و سوسه‌ای شیطان ... محدود است و به قلمرو مخلصین (به فتح) نمی‌رسد و انبیای اولوالعزم و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) از برجسته‌ترین عناصر آن قلمروند» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۴۸/۱۴).

روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که ایشان فرمود: « ...

؛ همانا او را

«

بر کسانی که ایمان آورده‌اند چیرگی نیست»، فرمود: به خدا قسم شیطان بر جسم مؤمن چیره می‌شود؛ اما بر دین او چیره نشود» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۸/۸، ح ۴۳۳).
از همین رو می‌توان گفت که شیطان هیچ‌گونه چیرگی‌ای بر پیامبران در واداشتن به گناه ندارد و تنها می‌تواند با سرزنش کردن آنان را شکنجه کند؛ به همین خاطر، انسان، شیطان را عامل رنجش و شکنجه پیامبران دانسته که با بزرگ جلوه دادن آزمایش الهی، آنان را سرزنش و شکنجه می‌کند؛ بی‌گمان با روایت منقول امام صادق (ع) روشن می‌شود که بر جسم مؤمن شاید شیطان چیره شود؛ ولی اگر دین و ایمان درستی داشته باشد، شیطان نمی‌تواند بر آن‌ها چیره شود، در این صورت همین فرد مؤمن، با باورمندی‌اش از شر شیطان رهایی می‌یابد.

۲-۵. شیطان؛ عامل ناامیدی

روش دیگر شیطان در تقابل با انسان‌ها، ناامید کردن است، مانند آنچه برای حضرت ایوب (ع) رخ داد که شیطان آن حضرت (ع) را از برای مصائبی که برایش رخ داده است سرزنش می‌کرد و حضرت ایوب (ع) از خدا خواست او را پشتیبانی کند و خدا هم برای عدم پیروی حضرت ایوب (ع) از وسوسه‌های شیطان مثل و مانند آنچه حضرت ایوب (ع) از دست داد را به او عطا کرد.

خداوند متعال خطاب به انسان‌ها از قول یعقوب می‌فرماید: «

؛ ای پسران

من، بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا نومید مباشید، زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود» (یوسف/۸۷).

و باز می‌فرماید: «

؛ بگو: ای بندگان من - که بر خویشتن زیاده‌روی روا

داشته‌اید- از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می‌آمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است» (زمر/۵۳).

بر اساس این آیات حتی انسان پس از انجام گناه نباید از رحمت خداوند مأیوس باشد؛ زیرا یاس و ناامیدی برای کافران است و آن‌ها از رحمت و مهربانی او مأیوس هستند. در دلایل این سخنان خداوند در روایتی از امام رضا (ع) چنین مطرح شده:» ... ؛ اسم ابلیس

«حارث» بود، زمانی که [سرکشی کرد و] از رحمت الهی مأیوس و ناامید شد به اسم «ابلیس» [مأیوس از رحمت خدا] نامیده شد» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۱۳۸، ح ۱؛ بحرانی، ۱۳۷۴: ۱۷۶/۱، ح ۳۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴۲/۶۰، ح ۸).

در روایت دیگر از حضرت علی (ع) آمده: « ؛ بزرگ‌ترین بلا، ناامیدی است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۸۶، ح ۳۱)؛ چرا که آمده: « ؛ ناامیدی موجب تفریط و تقصیر می‌شود» (حرانی، ۱۴۰۴: ۸۳). همچنین در روایت دیگر از آن حضرت (ع) وارد شده: « ؛ ناامیدی، صاحب خود را می‌کشد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۹۸، ح ۱۹).

شیطان با روش‌های گوناگونی با انسان دشمنی می‌کند، از جمله راه‌های شیطان برای دشمنی با انسان‌ها، ناامید کردن آن‌ها است، همان کاری که با حضرت ایوب (ع) کرد و خواست ایشان را برای آزمایشی که خداوند او را بدان دچار ساخته، از بخشایش خداوند ناامید کند؛ اما آن حضرت (ع) به سبب ایمان و باورمندی‌اش به خداوند پناه برد؛ از طرف دیگر، شیطان چون خود، از برای ناامیدی نتوانست به درگاه خداوند بازگردد، تلاش می‌کند که این ناامیدی را به انسان منتقل سازد؛ ولی

خداوند با توجه به آیات ۵۳ و ۸۷ سوره‌های زمر و یوسف، انسان به امیدواری در بخشایش خویش فرامی‌خواند.

۲-۶. شیطان؛ عامل شهوت‌رانی

انسان، شیطان را عامل برانگیختن قوه شهوت می‌داند؛ زیرا شهوت یکی از دام‌های شیطان است. به همین خاطر خداوند متعال می‌فرماید: «

ای کسانی که

ایمان آورده‌اید، پای از پی گامهای شیطان منهدید، و هر کس پای بر جای گامهای شیطان نهد [بداند که] او به زشتکاری و ناپسند وامی‌دارد، و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاک نمی‌شد، ولی [این] خداست که هر کس را بخواهد پاک می‌گرداند و خدا [ست که] شنوای داناست» (نور/۲۱).

وسوسه‌های شیطان از عوامل تحریک‌کننده شهوت است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۰۷) و شیطان برای برانگیختن این شهوت‌ها، راه‌های گوناگونی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، برانگیختن شهوت‌ها از راه زنان است. در روایتی از حضرت علی (ع) وارد شده: «...

شهوت‌رانی]، که شمشیر شیطان است...» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱/۱۱۳، ح ۹).

همچنین در روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در این آمده که فرمود: «...»

...؛ ... شیطان برای [تباہ

کردن] نیکان، سلاحی بُرنده‌تر از زنان ندارد، مگر آنان که ازدواج کرده باشند. آنان پاک هستند و از فساد درامان‌اند. ... [شیطان] حتی از [وسوسه کردن] ایوب و داوود

و یوسف و کُرسُف، دست‌بردار نبودند» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۵۹/۱۴، ح ۱۶۳۷۲). در روایتی دیگر آمده: « شیطان را به دل خود راه ندهید و دیده را از زنان بیگانه بگردانید» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۴۳۳/۲، ح ۳۸۵)؛ زیرا نقل شده: « ابلیس را سپاهی قدرتمندتر از زنان و خشم و غضب نیست» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۶۳؛ قمی، ۱۴۱۴: ۶/۶۵۳)؛ از همین روی، حضرت علی (ع) می‌فرماید: « شهوت‌ها، دام‌های شیطان‌اند» (نوری، ۱۴۰۸: ۳۴۳/۱۱؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۸، ح ۶۳۵؛ همان: ۱۲۱، ح ۲۱۴۳). شیطان همیشه شهوت خوکی و خشم حیوان درنده را در آدمی برمی‌انگیزد و هریک از این دو را بر دیگری مسلط می‌گرداند و در نظر هریک خوش‌آیند می‌سازد (فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

شیطان از نگاه انسان، عامل فساد و تباهی است که یکی از راه‌های او در این گذرگاه برانگیختن شهوت انسانی است و آن را با ابزار زنان انجام می‌رساند. به‌مانند آنچه برای حضرت یوسف (ع) انجام داد که آن حضرت (ع) حیا پیشه کرد و خود را دام شیطان رهاند؛ خداوند متعال خطاب به شهوت‌رانان می‌فرماید: « آن گاه، پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوس‌ها پیروی کردند، و به زودی [سزای] گمراهی [خود] را خواهند دید» (مریم/۵۹). آری آنان که از شهوت‌ها پیروی می‌کنند مورد غضب خداوند واقع می‌شوند و به کیفر فسادشان مجازات می‌شوند.

۳. انسان از دیدگاه شیطان

شیطان تصویری از انسان در اندیشه خویش ساخته که دانستن آن در چیرگی انسان بر این دشمن سرسخت، کارساز است. به همین خاطر در ادامه کوشیده می‌شود که دیدگاه شیطان در برابر انسان به گفتمان گزارده شود.

۳-۱. انسان؛ موجودی با رتبه‌ای پایین

موضوع دیگری که در اندیشه‌ی شیطان در برابر انسان نگاره بسته آن است که او می‌پندارد انسان موجودی کم‌ارزش است و خداوند متعال بی‌جهت انسان را بر او برتری داده است: «

[سپس] گفت: مرا خبرده این کسی که او را بر من برتری دادی [سببش چه بود؟] اگر تا قیامت مهلتم بخشی، بی‌تردید فرزندانش را جز اندکی لجام می‌زنم [و به دنبال خود به عرصه هلاکت و نابودی می‌کشم]» (اسراء/۶۲).

همین امر خود انگیزه‌ی دیگر شیطان برای دشمنی با انسان به شمار می‌آید. در تفسیر این آیه آمده، «شیطان با بی‌پروایی می‌گوید: از این موجودی که او را بر من برتری داده‌ای مرا آگاه کن که به چه انگیزه به او چنین اعتباری داده‌ای و حال آنکه من از او به‌ترم. چرایی اینکه ابلیس طمع در گمراهی فرزندان آدم کرد، این بود که خداوند (در ضمن گفتگو) به فرشتگان خبر داده بود، که در روی زمین کسی را قرار خواهد داد که فساد و تباهی به وجود خواهد آورد و خونریزی خواهد کرد» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۳۶/۲)؛ از این رو شیطان می‌گوید، خداوند انسان را بی‌جهت بر او برتری داده است و انگیزه خود را چنین پیش کشیده که چون من از آتشم و انسان از خاک، پس من از انسان برترم. در حالی که این نگاره‌ای اشتباه است؛ زیرا درستی و راستی موضوع آن است که فرمان خداوند از همه‌ی امور بالاتر است. مدعای سخن، روایتی از حضرت علی (ع) است که چنین آمده: «

پس از آنچه خدا به شیطان کرد پند گیرید، که کردار

دراز مدّت او را باطل گرداند و کوشش فراوان او بی‌ثمر ماند. او شش هزار سال با

پرستش خدا زیست از سالیان دنیا یا آخرت - دانسته نیست - اما با ساعتی که تکبیر کرد خدایش از بهشت بیرون آورد» (نهج البلاغه لامام علی (ع)، خطبه ۱۹۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۳/۱۳۱).

از سوی دیگر نیز شیطان انسان را موجودی کم ارزش نسبت به خود می داند؛ چرا که خود را در آفرینش برتر از انسان دانسته (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۴/۲۰۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۰/۲۹۴) و گوید: «

خدا فرمود: هنگامی که تو را امر کردم، چه چیز تو را مانع شد که سجده نکردی؟ گفت: من از او بهترم، مرا از آتش پدید آورده ای و او را از گل آفریدی» (اعراف/۱۲)؛ و به جای پذیرش اشتباه خویش، باز خود را برتر از انسان ها دانسته و گوید: «

؛ و [یاد کنید] هنگامی را که شیطان اعمالشان را [که در راه دشمنی با پیامبر و لشکرکشی بر ضد اهل ایمان بود] در نظرشان آراست و گفت: امروز [به سبب جمعیت بسیار و آرایش جنگی شما] هیچ کس از مردمان [با ایمان] پیروز شونده بر شما نیست و من پناه دهنده به شمایم، ولی زمانی که دو گروه [مؤمن و مشرک] با یکدیگر برخورد کردند، به عقب برگشت و پا به فرار گذاشت و گفت: من از شما [یاران و پیروانم] بیزارم، من چیزی را [چون نزول فرشتگان] می بینم که شما نمی بینید، البته من از خدا می ترسم و خدا سخت کیفر است» (انفال/۴۸). در تفسیر این آیه از ابن عباس نقل شده است: «شیطان قیاس کرد و در قیاس خود مرتکب اشتباه گردید و او نخستین کسی است که قیاس کرد و از آن رو مرتکب اشتباه شد که گمان کرد آتش از خاک شریف تر است و به گمان خود حق داشت که مأمور

سجده کردن بر پست‌تر از خود نشود و گویی گفته است: برای کسی همچون من [که از آتشم] دور از حق است که به آنچه من به آن امر شده‌ام، مأمور شود» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۲۸/۱).

۲-۳. انسان؛ موجودی اجابت‌کننده

شیطان؛ برخی انسان‌ها را برای آنکه از او پیروی کرده و فراخوانی‌اش را پاسخ‌دهی می‌کنند، دوست خود برمی‌شمارد؛ چون در داستان آدم و حوا، شیطان در چهره‌ی دوستی خیرخواه ظاهر شد و سوگند یادکرد: «که من برای شما در فراخوانی خود به خوردن از این درخت، خیرخواهی، مخلص و بی‌آلایش هستم» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۳۰/۱)؛ آدم که هنوز تجربه کافی در زندگی نداشت، و گرفتار دام‌های شیطان و خدعه و دروغ و نیرنگ نشده بود و نمی‌توانست باور کند کسی این‌چنین سوگند دروغی یاد کند، و چنین دام‌هایی بر سر راه او بگذارد، سرانجام تسلیم فریب شیطان شد و با ریسمان پوسیده مکر و خدعه او برای به دست آوردن آب حیات و ملک جاویدان، به چاه و سوسه‌های ابلیس فرو رفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۱۷/۶).

این دوست دروغین [برخی انسان‌ها او را چنین پنداشته‌اند] در روز رستاخیز، خطاب به کسانی که از او پیروی کرده و اعمال بد خویش را به او [شیطان] نسبت می‌دهند، گوید: «

و چون

کار از کار گذشت [و داوری صورت گرفت] شیطان می‌گوید: «در حقیقت، خدا به شما وعده داد وعده راست، و من به شما وعده دادم و با شما خلاف کردم، و مرا بر

شما هیچ تسلطی نبود، جز اینکه شما را دعوت کردم و اجابت نمودید. پس مرا ملامت نکنید و خود را ملامت کنید. من فریادرس شما نیستم و شما هم فریادرس من نیستید. من به آنچه پیش از این مرا [در کار خدا] شریک می دانستید کافرم». آری! ستمکاران عذابی پردرد خواهند داشت» (ابراهیم/۲۲).

گزاره‌ی « از ابلیس است و مقصود و هدفش از این حرف این است که، سرکوفت گناهکاران و مشرکین را از خود دور سازد؛ از این رو، گفت: « معنایش این است که: خداوند به شما وعده‌ای داد که اینک وقوع آن و مشاهده حساب و جنت و نار در امروز، آن وعده را محقق ساخت و من هم به شما وعده‌ای دادم ولی به آن وفا نکردم، چون خلاف آنچه را که وعده داده بودم محقق شد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۷/۱۲؛ کاشانی، ۱۳۶۶: ۱۳۲/۵).

آری شیطان هیچ چیرگی‌ای بر انسان ندارد چون نه در ظاهر، توانایی را از انسان سلب می‌کند و نه در باطن، بر عقول انسان چیرگی‌ای دارد؛ بلکه تنها انسان را فراخوانی می‌کند و این انسان، با اختیار خویش فراخوانی او را می‌پذیرد. راستی امر نیز چنین است که انسانی خود این گذرگاه گناه را به جای گذرگاه سعادت برگزیده، خود باید پاسخگوی گناهان خویش باشد. به راستی که خداوند متعال این نکته را چنین یادآور می‌شود: «

؛ چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده‌اند، و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلطی نیست. تسلط او فقط بر کسانی است که وی را به سرپرستی برمی‌گیرند، و بر کسانی که آنها به او [خدا] شرک می‌ورزند» (نحل/۱۰۰-۹۹).

در همین راستا، حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «کجروی‌ان، شیطان را معیار کار خود گرفتند و شیطان نیز آن‌ها را دام خود قرارداد و در دل‌های آنان تخم گذارد و جوجه‌های خود را در دامانشان پرورش داد. با چشم‌های آنان می‌نگریست و با زبان‌های آنان سخن می‌گفت. پس با یاری آن‌ها بر مرکب گمراهی سوار شد و کردارهای زشت را در نظرشان زیبا جلوه داد، مانند رفتار کسی که نشان می‌داد در حکومت شیطان شریک است و با زبان شیطان، سخن باطل می‌گوید» (نهج البلاغه لامام علی (ع)، خطبه ۷).

شیطان، برخی انسان‌ها را دوستی اجابت‌کننده به حساب می‌آورد. شیطان در داستان آدم و حوا با چهره‌ی دوستی خیرخواه ظاهر شد و آدم و حوا را به خوردن میوه از آن درخت فراخواند و آنان نیز او را دوست خویش پنداشته و از میوه آن درخت خوردند؛ اما این دوستی راستین نیست، چون در روز رستاخیز شیطان خطاب به کسانی که از او پیروی کرده‌اند و گناهان خویش را بدو نسبت می‌دهند گوید، خودتان را سرزنش کنید؛ زیرا من تنها فراخوانی‌تان کردم و شما هم پذیرفتید. درستی امر نیز چنین است؛ از برای آنکه هرکس گناه می‌کند همو باید کیفر شود، چون آن فرد گناهکار خود به سوی شیطان متمایل شده است و شیطان اختیار را از او نگرفت؛ به همین خاطر، می‌توان گفت که شیطان تنها بر کسانی که رهبری او را پذیرفته و فراخوانی‌اش را پاسخ می‌دهند، چیرگی دارد.

۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر پس از بررسی‌های انجام‌شده به این برآیندها دست‌یافته است:
نخست آنکه، در نگاه انسان، شیطان عاملی اغواگر، فتنه‌انگیز، عامل رنجش و شکنجه‌ی پیامبران، عامل ناامیدی و شهوت‌رانی است و دوم آنکه، شیطان، موجودی

با رتبه‌ای پایین‌تر از خود که بی‌جهت برتری داده‌شده و دوستی اجابت‌کننده پنداشته است. سوم آنکه، عامل آغازین رانده شدن شیطان از درگاه خداوند، خود بزرگ‌بینی و عدم فرمان‌برداری او بوده است نه انسان.

کتابنامه

۱. قرآن کریم، فولادوند، محمد مهدی؛ (۱۴۱۸ ق)، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ سوم.
۲. نهج البلاغه لامام علی (ع)، ترجمه شهیدی؛ (۱۳۷۹ ه.ش)، قم: مشهور.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله؛ (۱۴۰۴ ه.ق)، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، (محقق/مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم)، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی؛ (۱۴۰۳ ه.ق)، معانی الأخبار، (محقق/مصحح: علی اکبر غفاری)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. _____؛ (۱۳۶۲ ه.ش)، الخصال، (مصحح: علی اکبر غفاری)، قم، جامعه مدرسین.
۶. ابی حیان الأندلسی، محمد بن یوسف بن علی بن یوسف؛ (۱۴۲۲ ه.ق)، تفسیر البحر المحیط، (تحقیق: الشیخ عادل أحمد عبد الموجود - الشیخ علی محمد معوض، شارک فی التحقيق ۱) د. زکریا عبدالمجید النوقی ۲) د. أحمد النجولی الجمل، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ (۱۴۱۹ ه.ق)، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، (محقق: محمد حسین شمس‌الدین)، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۸. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان؛ (۱۳۷۴ ه.ش)، البرهان فی تفسیر القرآن، (محقق/مصحح: قسم الدراسات الإسلامیة مؤسسة البعثة)، قم، مؤسسه بعثه.

رابطه انسان و شیطان از منظر قرآن ۶۳

۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ (۱۴۱۰ ه.ق)، غررالحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الامام علی علیه السلام)، (محقق/مصحح: سید مهدی رجائی)، قم، دار الکتاب الإسلامی، چاپ دوم.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله؛ (۱۳۸۸ ه.ش)، تسنیم، (محقق: جمعی از محققان)، جلد هشتم، قم، نشر اسراء.
۱۱. حرانی، حسن بن علی؛ (۱۴۰۴ ه.ق)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، (محقق/مصحح: علی اکبر غفاری)، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن؛ (۱۴۰۹ ه.ق)، تفصیل تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، (محقق/مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام)، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۳. حسینی همدانی، محمد؛ (۱۴۰۴ ه.ق)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، (محقق: محمدباقر بهودی)، تهران، لطفی.
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر؛ (۱۴۰۷ ه.ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، مصحح: مصطفی حسین احمد، بیروت، دار الکتاب العربی، چاپ سوم.
۱۵. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر؛ (۱۴۰۸ ه.ق)، بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۱۶. شحاته، عبدالله محمود؛ (۱۴۲۱ ه.ق)، تفسیر القرآن الکریم (عبدالله شحاته)، قاهره: دار غریب.
۱۷. طباطبایی، سید محمدحسین؛ (۱۳۹۰ ه.ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن؛ (۱۳۷۲ ه.ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، (مصححان: فضل الله یزدی طباطبایی؛ هاشم رسولی)، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم.

۱۹. _____؛ (۱۴۱۲ ه.ق)، تفسیر جوامع الجامع، (مصحح: ابوالقاسم گرجی)، قم، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.
۲۰. طبری، محمد بن جریر؛ (۱۴۱۲ ه.ق)، جامع البیان فی تأویل ای القرآن، بیروت، دار المعرفه.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن؛ (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، (مقدمه نویس: محمد محسن آقابزرگ تهرانی)، (مصحح: احمد حبیب عاملی)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۲. رازی، محمد بن عمر؛ (۱۴۲۰ ه.ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، (اعداد: مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۲۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی؛ (۱۴۱۵ ه.ق)، تفسیر الصافی، (مقدمه و تصحیح: حسین اعلمی)، تهران، مکتبه الصدر، چاپ دوم.
۲۴. _____؛ (۱۳۸۷ ه.ش)، ترجمه الحقائق، (محقق/مصحح: عبدالله غفرانی)، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری.
۲۵. قمی، عباس؛ (۱۴۱۴ ه.ق)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، قم، اسوه.
۲۶. کاشانی، فتح الله بن شکرالله؛ (۱۳۳۶ ه.ش)، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ سوم.
۲۷. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد؛ (۱۴۰۹ ه.ق)، ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، (محقق/مصحح: محسن حسینی امینی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۸. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی؛ (۱۴۰۵ ه.ق)، المصباح للكفعمی (جنة الأمان الواقیة)، قم، دار الرضی (زاهدی)، چاپ دوم.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ (۱۴۰۷ ه.ق)، الکافی (ط - الإسلامية)، (محقق/مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر؛ (۱۳۷۱ ه.ق)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ دهم.

۳۱. _____؛ (۱۳۸۳ ه.ش)، والاترین بندگان، ملاحظات: تهیه و تنظیم بانوج فرازند، قم، نسل جوان.

۳۲. نوری، حسین بن محمدتقی؛ (۱۴۰۸ ه.ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، (محقق/مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام)، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام.

